

- قدرت، ثروت، دانش ، دانش را کاملاً مثبت، خوب و خیر ارزیابی می کند. ثروت را خاکستری (نه خوب و نه بد) و قدرت را بیشتر منفی (بد) می داند.
- ۲- کنار گذاشتن ارزیابی اخلاقی به قدرت و محدود شدن علم به علوم ابزاری و تجربی چه نتایجی به دنبال داشت؟ با وجود توسعه قدرت و ثروت پیامدهای فقر، نابرابری، سرکوب، جنگ، تخریب طبیعت و... ظاهر شدند. و ثروت دیگر نه یک امر خنثی (نه مثبت نه منفی) بلکه ریشه ظلم ها و شرارت ها خوانده شد. خوش بینی نسبت به دانش نیز مورد تردید قرار گرفت و دیگر راهنمای سعادت نبود بلکه همراه قدرت و ثروت رובה تاریکی و ظلمت شد.
- ۳- قدرت چیست؟ توانایی انجام کاری با آگاهی و اراده
- ۴- انواع قدرت را توضیح دهید: قدرت فردی که محدود است. قدرت اجتماعی که توانایی تاثیر بر اراده دیگران است. یعنی توانایی به خدمت گرفتن اراده دیگران در جامعه
- ۵- چرا نهادها و سازمان ها از قدرت اجتماعی بیشتری برخوردارند؟ چون توان تاثیر گذاری بیشتری بر افراد دارند.
- ۶- چه راه هایی برای تاثیر گذاری بر اراده دیگران وجود دارد؟ ۱- جلب تبعیت دیگران با رضایت درونی
- ۲- جلب رضایت دیگران ناشی از ترس و تهدید بیرونی
- ۷- قدرت اجتماعی چگونه به وجود می آید؟ وقتی دیگران بپذیرند که اراده خود را به دیگری آگاهانه واگذار کنند.
- ۸- مقبولیت و اقتدار چیست؟ قدرتی که بدون استفاده از تهدید و بارضایت طرف مقابل به دست می آید، قدرت مقبول است. قدرت مقبولی که به صورت رسمی پذیرفته شده باشد اقتدار است.
- ۹- قدرتی که دیگران با اکراه از آن تبعیت می کنند تا چه زمانی می تواند تداوم داشته باشد؟ تا زمانی که تهدید و ترس فرد وجود دلشته باشد این تبعیت با اکراه ادامه خواهد داشت.
- ۱۰- مشروعیت قدرت به چه معنایی است؟ قدرت مطابق یک نظام عقیدتی و ارزشی اعمال شود.
- ۱۱- مقدار مقبولیت و مشروعیت قدرت اجتماعی چیست؟ مدار مقبولیت : خواست و اراده کسانی است که قدرت بر آنها اعمال می شود. مدار مشروعیت حق و باطل بودن است که اگر مطابق با حکم الهی باشد مشروعیت حقیقی و در غیر این صورت مشروعیت دروغین است.
- ۱۲- در چه صورتی قدرت هم دارای مقبولیت اجتماعی و هم مشروعیت حقیقی است؟ اگر قدرت مطابق قانون و حکم الهی باشد و تبعیت از آن نیز بارضایت و میل همراه باشد.
- ۱۳- در چه صورتی قدرتی مقبول ولی غیر مشروع است؟ هنگامی که قدرت برخلاف حکم و قانون الهی باشد اما تبعیت از آن، از روی رضایت باشد.
- ۱۴- آیا در جامعه ای که فرهنگ عمومی مردم، فرهنگ دینی است، قدرت نامشروع می تواند مقبولیت داشته باشد؟ اگر فرهنگ عمومی مردم، فرهنگ دینی مطابق با احکام الهی باشد نه ایدئولوژی های ساختگی و دروغین، قدرت نامشروع نمی تواند مقبولیت داشته باشد.

- ۱۵- قدرت سخت و قدرت نرم را توضیح دهید. قدرتی که از طریق ابزارهای خشن، بازور و آشکارا توسط نهادهای نظامی اعمال می شوند قدرت سخت هستند. قدرتی که به شکل پنهان و از طریق فرهنگی و به کمک ابزارهای رسانه ای و نهادهای آموزشی اعمال می شوند قدرت نرم هستند. جنگ و حمله نظامی نمونه قدرت سخت است. نفوذ در نظام آموزشی و فرهنگی یک جامعه و تغییر فرهنگ آن جامعه مطابق با منافع خود نمونه ای از قدرت نرم است.
- ۱۶- قدرت سخت و قدرت نرم در گذشته و امروزه چه تاثیری به همراه دارند؟ در گذشته قدرت سخت یک کشور موجب سلطه سیاسی و اقتصادی بر سایر کشورها می شد. اما امروزه قدرت نرم سبب سلطه فرهنگی می شود. در گذشته نبرد بین دولت ها نظامی بود ولی امروزه نبرد در حوزه فرهنگ و با ابزار رسانه صورت می گیرد. گاهی تاثیرگذاری کنشگران فردی در فضای مجازی بیشتر از تاثیرگذاری دولت ها هستند. مثلا سلبریتی ها (ستارگان هنری و ورزشی)
- ۱۷- نمونه هایی از قدرت مندان مقبول ولی نامشروع را نام ببرید: استالین در شوروی سابق، هیتلر در آلمان
- ۱۸- منظور از انقلاب های رنگین چیست؟ انقلاب هایی که با استفاده از قدرت رسانه ها در صدد براندازی حکومت های مخالف غرب برآمدند. این انقلاب ها به صورت گسترده از فضای مجازی و شبکه های استفاده کردند مانند انقلاب گرجستان (نماد این انقلاب گل سرخ بود). انقلاب اوکراین (از رنگ نارنجی به عنوان نماد استفاده کردند).
- ۱۹- سیاست چیست؟ چه رابطه ای با قدرت دارد؟ سیاست یعنی اعمال قدرت سازمان یافته برای دست یابی به هدف معین. سیاست نوعی سازماندهی و استفاده از قدرت است.
- ۲۰- منظور از نظام سیاسی چیست؟ مجموعه سازوکارهایی که برای اعمال سیاست های جهان اجتماعی و رسیدن به آرمان ها و ارزش های اجتماعی وجود دارد.
- ۲۱- در یک جهان اجتماعی نظام سیاسی بادیگر نظام ها چه ارتباطی دارد؟ نظام سیاسی بر نظام فرهنگی، نظام اقتصادی، نظام آموزشی اثر می گذارد و از آنها نیز اثر می پذیرد. مثلا نظام سیاسی شوروی سابق بر اقتصاد دولتی تاکید داشت. نظام سیاسی جمهوری فرانسه بر جدایی دین از سیاست تاکید داشت. یا نظام فرهنگ دینی مردم ایران، نظام سیاسی جمهوری اسلامی رابه وجود آورد.
- ۲۲- نظام های سیاسی را براساس چه ملاک هایی می توان دسته بندی کرد؟ ۱- براساس تعداد افراد تاثیرگذار و تصمیم گیرنده (یک نفر تصمیم گیرنده یا گروه اقلیتی (کوچکی) تصمیم گیرنده هستند یا اکثریت مردم در سرنوشت خود تاثیرگذار هستند). ۲- براساس روش تصمیم گیری و حکومت داری (براساس حقیقت و فضیلت و مواظین عقلی تصمیم می گیرند یا براساس اهداف و امیال خود تصمیم می گیرند و هر نوع تصمیمی را برای خود جایز می دانند).

۲۳- ارسطو با چه ملاک هایی نظام های سیاسی رادسته بندی می کرد؟ ۱- ملاک تعداد افراد تاثیرگذار و تصمیم گیرنده (یک نفر / چند نفر / اکثریت مردم) ۲- روش هایی که مبنای تصمیم گیری افراد است (عقل و فضیلت و اخلاق / امیال شخصی)

۲۴- طبق نظر کتاب کدام حکومت ها به دسته بندی نظام های سیاسی از نظر ارسطو نزدیک ترند؟

حاکمیت فردی براساس فضیلت (مونارشی): حکومت پاپ

حاکمیت اقلیت براساس فضیلت (آریستوکراسی): حکومت نخبگان دریونان باستان

حاکمیت اکثریت براساس فضیلت (جمهوری): جمهوری اسلامی

حاکمیت فردی براساس خواست و میل حاکم (استبدادی): حکومت های پادشاهی

حاکمیت اقلیت براساس خواست و میل حاکم (الیگارشی): حکومت سرمایه داران در غرب

حاکمیت اکثریت براساس خواست و میل حاکم (دموکراسی): برخی کشورهای غربی

۲۵- ملاک های فارابی برای دسته بندی نظام های سیاسی چگونه است؟ دین مداری یا

دنیا مداری. نظام سیاسی دینی و دین مدار براساس احکام و قوانین الهی سازمان می یابد. نظام

سیاسی دنیا مدار فقط ارزش ها و آرمان های دنیوی و این جهانی را مورد توجه قرار می دهد.

۲۶- کنش سیاسی و استفاده از قدرت به چه منظوری انجام می شود؟ قصد تغییر وضع موجود یا حفظ وضع موجود

۲۷- چگونه می توان تشخیص داد که انجام کنش سیاسی با هدف ایجاد تغییرات، وضعیت موجود

را بهتر می کند یا بدتر می کند؟ چون هدف ما در زندگی دستیابی به فضیلت های انسانی و سعادت

همگان است اگر فعالیت و کنش های سیاسی با هدف دستیابی به فضیلت و سعادت باشد این تغییرات

مثبت و قابل ستایش اند.

۲۸- داوری ارزش های سیاسی به چه معنایی است؟ امور سیاسی مورد تایید یا رد، انتخاب یا

طرده، ستایش یا نکوهش انسان ها قرار می گیرند. این امور از انسان ها اطاعت، وفاداری و تصمیم می

خواهند.

۲۹- آیا امکان ارزیابی ارزش های سیاسی و داوری درباره آنها وجود دارد؟ بله امکان ارزیابی

ارزش های سیاسی و داوری نسبت به آنها وجود دارد، هر چند ممکن است تشخیص دقیق خوب از

بد بسیار دشوار باشد. برای جلوگیری از خطا باید بکوشیم جوامع و فرهنگ های دیگر را از نظر

خودشان مطالعه کنیم، یعنی با رویکرد تفهیمی تفسیری به بررسی آنها بپردازیم.

۳۰- جهان طبیعت و جهان فرهنگی اجتماعی از نظر قوانین با یکدیگر چه تفاوت هایی دارند؟

قوانین طبیعت در همه مکان ها و زمان ها یکسان اند از این رو نتایج مطالعه بر روی طبیعت در هر

مکان و زمانی می تواند به تمامی مکانها و زمانها تعمیم داده شود. ولی جوامع و فرهنگ ها همانند

طبیعت نیستند و ما نمی توانیم نتایجی را که از مطالعه و بررسی یک جامعه به دست آورده ایم به

همه جوامع دیگر تأمین بدهیم. مثلاً نمی‌توان این نتایجی را که از مطالعه جوامع غربی به دست می‌آوریم به جوامع دیگر که با جهان غرب تفاوت دارند تأمین بدهیم.

۳۱- در چه صورتی امکان مقایسه و داوری فرهنگ‌ها و ارزش‌ها از دست می‌رود؟ وقتی علوم اجتماعی برای مطالعه‌ی فرهنگ مجبور باشد که این فرهنگ را فقط از منظر مردمی که آن را پذیرفته‌اند ببیند و بررسی کند.

۳۲- چرا ما ناگزیر از مقایسه ارزش‌ها برای تشخیص ارزش‌های صحیح از ارزش‌های غلط هستیم؟ تعدد و تنوع فرهنگ‌ها و جوامع معاصر و قدیمی، همچنین فرهنگ‌های مختلف معمولاً به مرزهای خودشان محدود نمی‌مانند.

۳۳- چرا جامعه‌شناسان پوزیتیویست قدرت را به عنوان یک پدیده خونساز و فاقد معنا مطالعه می‌کنند؟ جامعه‌شناسی پوزیتیویستی با منحصر کردن علم به علوم تجربی ارزش‌های انسانی را قابل مطالعه علمی نمی‌داند. از این رو با ارزش‌جدایی و معنازدایی از قدرت آن را به عنوان یک پدیده خنثی و فاقد معنا مطالعه می‌کند.

۳۴- چرا جامعه‌شناسی تفهیمی جامعه‌شناس را قادر به داوری درباره ارزش‌ها نمی‌داند؟ چون جامعه‌شناسی تفهیمی نیز اگرچه امور سیاسی را پدیده‌هایی معنادار و ارزشی می‌داند اما تا جایی که همانند جامعه‌شناسی پوزیتیویستی فقط روش تجربی را علمی و معتبر بشناسد نمی‌تواند جامعه‌شناس را قادر به داوری ارزش‌ها بداند.

۳۵- نگاه جامعه‌شناسی تفهیمی نسبت به امور سیاسی و نظام‌های سیاسی چیست؟ جامعه‌شناسی تفهیمی امور سیاسی را پدیده‌های معنادار و ارزشی می‌داند ولی صرفاً به توصیف ارزش‌ها و نظام‌های سیاسی بسنده می‌کند و ملاک و معیاری برای ارزیابی علمی آنها ارائه نمی‌دهد مثلاً ماکس وبر در مطالعه جوامع غربی این جوامع را دچار بحران اراده و بحران معنا می‌بیند ولی معتقد است که هیچ راه حل علمی برای برون رفت از این وضعیت وجود ندارد.

۳۶- چرا ماکس وبر جوامع غربی را دارای بحران اراده و بحران معنا می‌بیند؟ چون این جوامع صرفاً ارزش‌ها و نظام‌های سیاسی را توصیف می‌کند و توانایی داوری ارزشی ندارد.

۳۷- چرا جامعه‌شناسان انتقادی رویکردهای پوزیتیویستی و تفهیمی را محافظه‌کار می‌داند؟ چون این جامعه‌شناسان معتقدند که رویکردهای پوزیتیویستی و تفاهمی نه تنها هیچ راهکاری برای بهتر ساختن وضعیت موجود ندارند بلکه انسان‌ها را در برابر وضعیت موجود منفجره و مجبور می‌سازند.

۳۸- دیدگاه جامعه‌شناسان انتقادی نسبت به داوری ارزشی چیست؟ جامعه‌شناسان انتقادی یافتن راهی برای داوری علمی درباره ارزش‌های اجتماعی به ویژه در عرصه قدرت و ضروری می‌دانند و دست شستن از این آرمان بزرگ را بن بست زندگی انسان معرفی می‌کنند.

۳۹- بن بست زندگی انسان از دیدگاه جامعه شناسان انتقادی چیست؟ دست شستن از آرمان

بزرگ داوری علمی نسبت به ارزش های اجتماعی به ویژه در عرصه قدرت

۴۰- دست شستن از داوری علمی درباره ارزش های سیاسی و اجتماعی چه نتایجی به دنبال

خواهد داشت؟ فرد نمی تواند انتخاب های صحیحی در عرصه سیاسی و اجتماعی داشته باشد و یا

اینکه فرد با انفعال، مشارکت سیاسی و اجتماعی خود را از دست میدهد و نمی تواند به انتخاب های

خود معنا بدهد.